

آشنایی با رجال شیعه

ابوطالب علی‌نژاد جویباری*

چکیده

حدیث و سنت، دومین منبع دین‌شناسی است که نقش بسزایی در تمام معارف اسلامی اعم از عقاید، احکام و اخلاق دارد؛ چه اینکه پس از قرآن، بیشترین سهم را در شناساندن اسلام و شکل‌گیری و بالندگی علوم اسلامی داشته است.

بدین جهت، محدثان و عالمان اندیشور، تلاش گسترده و تحسین‌برانگیزی از خود در جهت حفظ و حراست از حدیث و سنت نشان داده‌اند و در نتیجه آثار گران‌سنگ و ماندگاری از خود به یادگار نهاده‌اند.

حدیث از گذشته، از جهت سند و متن با مشکلاتی روبرو بوده است که هر کدام از این مشکلات می‌توانست آن را آسیب‌پذیر نماید؛ بنابراین برای جلوگیری و شناخت آسیب‌ها، علوم چون رجال، جرح و تعدیل، مختلف الحدیث و تحریب الحدیث، تأسیس و پایه‌گذاری شد.

از جمله علمی که مورد توجه خاص شیعیان قرار گرفت، علم رجال و شناخت راویان حدیث بود که اولین اثر در این موضوع را عبیدالله بن ابی رافع، منشی و کاتب حضرت علی علیه السلام نوشته است.

این حرکت علمی در حوزه دانش رجال در دوره‌های بعد نیز ادامه پیدا کرد و اندیشمندان شیعی به تکمیل، تهذیب و تنقیح دانش رجال پرداختند و ده‌ها اثر سودمند و ماندگار با سبک‌ها و روش‌های گوناگون از خود به یادگار گذاشتند و غنای ویژه‌ای به این علم بخشیدند.

کلیدواژه‌ها: حدیث و سنت، علم رجال، مسلک‌ها، طبقات، جرح و تعدیل، مشترکات، فوائد رجالی.

مقدمه

از جمله علومی که در حوزه حدیث تأسیس و پایه گذاری شده است، علم رجال است که تبیین صفات و حالات راویان حدیث را بر عهده دارد.

علم رجال از پیشینه بسیار قوی و قدیم برخوردار است و یکی از کهن‌ترین دانش‌هایی است که در حوزه علوم دینی راه یافته است و همیشه مورد توجه و عنایت عالمان دین و حدیث پژوهان بوده است.

اساس و پایه‌های این دانش از نخستین سده پس از هجرت نهاده شده است و در طول حیات اسلام، اشکال مختلف و شاخه‌های متنوعی بر خویش دیده است. دستور صریح قرآن کریم به مسلمانان مبنی بر تحقیق و تفحص در مقابل گزارش گزارشگران فاسق (اشاره به: حجات: ۶) و هشدارهای پیامبر اعظم ﷺ درباره دروغ‌پردازان* موجب گردید تا پاسداران حریم سنت نبوی و مرزبانان شریعت محمدی با احتیاط بیشتر و دقت لازم به نقل سخنان پیامبر اکرم ﷺ بپردازند و سعی نمایند احادیث نبوی را از زبان موثقین و شایستگان و افراد صادق و راستگو روایت نمایند.

بنابراین دانش رجال (به معنی شناخت راویان) ریشه در قرآن و سنت نبوی دارد و فلسفه اصلی و انگیزه واقعی مسلمانان از تدوین دانش رجال عبارت است از: حفظ و صیانت از سنت نبوی و جلوگیری از هرگونه تحریف و دگرگونی در آن. دانش رجال یکی از دانش‌های مقدماتی اجتهاد و استنباط به حساب می‌آید؛ زیرا مجتهد و تلاشگر علمی و فقهی که در صدد کشف و یافتن حکم الهی از سنت معصومین علیهم‌السلام می‌باشد، باید به بررسی سند بپردازد تا درستی و نادرستی آن

* پیامبر اکرم ﷺ به مسلمانان فرمود: «ایها الناس قد کثرت علی الکذابة فمن کذب علی متعمداً فلیتبعوا مقعده من النار»؛ ای مردم! دروغ‌بندان بر من فراوان شده‌اند؛ هر که عمداً بر من دروغ بزند، نشیمنش پر از آتش باد! (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۰، ح ۱)

معین و مشخص گردد.

مستندسازی احادیث و بررسی اتصال آن به معصوم علیه السلام گام اول در استنباط است و تجزیه و تحلیل متن حدیث و فهم آن در رتبه بعد قرار دارد.

یکی از طرق ارزیابی حدیث و احراز صدور آن از معصوم علیه السلام بررسی راویان آن می‌باشد؛ بنابراین نه تنها اطلاع و آگاهی از قواعد و ترازهای دانش رجال برای هر فقیه و مجتهد استنباطگر یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، بلکه لازم است فقیه‌ی که به استنباط روی می‌آورد، در این علم صاحب نظر و صاحب مبنا باشد. هر اندازه، ژرف‌اندیشی فقیه در دانش رجال بیشتر و افزون‌تر باشد، رشد و بالندگی وی در دانش فقه نمایان‌تر است؛ چه زیبا گفته است علامه آقابزرگ تهرانی که: «فقیه، به مقام فقاهاست نمی‌رسد مگر آنکه یک رجالی باشد» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۵).

نقش کاربردی دانش رجال، تنها در اخبار الاحکام و روایات فقهی منحصر نمی‌گردد، بلکه در علوم دیگر نیز از جمله در تفسیر، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. تفسیر قرآن یا به عقل است و یا به نقل؛ تفسیر نقلی یا با استمداد از خود قرآن می‌باشد، مانند اینکه آیه‌ای شاهد و دلیل بر آیه دیگر باشد و یا با استمداد از متن نقلی دیگر؛ مانند اینکه حدیث معتبری گواه معنای خاصی از آیه باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱ ص ۵۸ به بعد).

حدیث یا متواتر است و یا واحد که در این میان خبر واحد بر سه قسم است:

الف. خبر واحد محفوف به قرینه قطعیه؛

ب. خبر واحد ضعیف؛

ج. خبر واحد معتبر (مامقانی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۸۷ به بعد).

حدیث متواتر در تفسیر مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ چنان‌که خبر واحد

ضعیف در تفسیر، حجت نیست؛ اما نسبت به خبر واحد معتبر اختلافی است.* بنابراین همان طوری که بهره‌گیری از دانش رجال در بررسی اسناد اخبار الاحکام و روایات فقهی تأثیر به‌سزایی در فرایند اجتهاد و نقش تعیین‌کننده‌ای در کاوش‌های فقهی دارد، در رابطه با روایات غیرفقهی از جمله روایات تفسیری می‌تواند نقش کاربردی داشته باشد؛ زیرا در پرتو آشنایی با قواعد و ترازهای دانش رجال است که می‌توانیم نسبت به احادیث مربوط به فضائل سوره‌ها، شأن نزول آیات، کیفیت قرائت، اسرائیلیات و ... اظهار نظر کنیم؛ علاوه آنکه آشنایی با دانش رجال و راویان حدیث، در فهم کلام معصوم علیه السلام و نیز تحلیل پدیده‌های تاریخی می‌تواند مؤثر باشد.

پیشگامی شیعه در تدوین دانش رجال

بازشناسی راویان حدیث به سبب اهمیتی که داشت، از همان ابتدا مورد توجه بوده است؛ ولی تدوین رسمی آن از نیمه قرن اول توسط عبیدالله بن ابی‌رافع کاتب و منشی حضرت علی علیه السلام (النجاشی ۱۴۱۸ ق، ص ۴ / تستری، ۱۴۱۰ ق، ج ۷ ص ۵۶-۵۷) آغاز گردید (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۲۵۸-۲۵۹ / همو، ۱۴۰۳ ق، ج ۴، ص ۱۸۱).
علامه آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد:

احتیاج شدید و میرم به این علم (علم رجال) موجب گردیده است تا عالمان شیعه از همان قرن اول تا به امروز اهتمام ویژه‌ای در تألیف و تدوین کتاب‌های مخصوص پیرامون دانش رجال و تنظیم و گردآوری اسامی راویان حدیث همراهِ با ذکر اوصاف (وثاقت و عدم وثاقت) و آثار

* برای آگاهی بیشتر رک به: طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶-۷ / موسوی خویی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۹۷-۳۹۹ / طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۱۲، ص ۲۶۱ / معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۲-۲۳ / جوادی آملی، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۵۹.

و تألیفاتشان که از بعضی، تعبیر به کتب و از بعضی دیگر تعبیر به اصول می‌شود، داشته باشد؛ ابتدای این امر (آغاز تدوین رجال) بر حسب اطلاع ما در نیمه دوم قرن اول بوده است؛ زیرا عبیدالله بن ابی رافع منشی حضرت علی علیه السلام اسامی صحابه‌ای را که با آن حضرت در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان حضور پیدا کردند و جهاد نمودند، جمع‌آوری و تدوین نموده است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق. ج ۱۰، ص ۸۰). ایشان در جای دیگر می‌نویسد: اولین شخصی که در موضوع جنگ‌ها، سیره و رجال در میان مسلمین کتاب نوشت، عبیدالله بن ابی‌رافع است و کسی را نمی‌شناسیم که مقدم بر او باشد؛ زیرا او کتابش را در عصر حضرت علی علیه السلام که در سال چهل‌هجری به شهادت رسیده است، نوشت (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۲۵ و ۲۵۸ / همو، ۱۴۰۲ ق. ج ۴، ص ۱۸۱).

بنابراین شیعه در تدوین دانش رجال پیشگام بوده است و بر اهل سنت مقدم می‌باشد؛ زیرا به تصریح سیوطی (دانشمند معروف اهل سنت متوفی ۹۱۱ ق) اولین شخصیتی که از اهل سنت پیرامون دانش رجال، کتابی تصنیف نمود شعبه بن حجاج می‌باشد (صدر، بی‌تا، ص ۲۳۳ / امین، ۱۴۰۳ ق. ج ۱، ص ۱۴۹) که در سال ۱۶۰ فوت نموده است (ذهبی، ۱۴۱۸ ق. ج ۹، ص ۴۳۲)؛ در نتیجه قدیمی‌ترین کتاب رجالی شیعه که آقدم کتب رجال در اسلام نیز هست، رساله یا کتابی است با عنوان تسمیه من شهد مع امیرالمؤمنین علیه السلام که عبیدالله بن ابی رافع متصدی بیت‌المال حضرت علی علیه السلام و کاتب ایشان نوشته است.

علامه تهرانی این کتاب را با همین عنوان و با عنوان رجال ابن ابی رافع و نیز با عنوان: رجال عبیدالله بن ابی رافع فهرست کرده است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق. ج ۴، ص ۱۸۱ و ج ۱۰، ص ۸۳ و ۱۳۰).

بررسی دیدگاه مخالفان

شیعه در عرصه فرهنگی همیشه با جریان‌های مخالف و معاندی روبرو بوده است که تحمل اعتلای فرهنگ شیعی را نداشتند و لذا با تمام وجود تلاش می‌کردند با اتهامات واهی و پست و بی‌اساس مکتب تشیع را که ریشه در قرآن و سنت نبوی دارد، تضعیف نمایند و مانع پیشرفت آن گردند.

از جمله سخنان بی‌اساس مخالفان این بود که: شیعیان از جهت علمی و فرهنگی خیلی عقب مانده هستند و هیچ سابقه علمی ندارند و از علوم دینی مانند دانش رجال بهره‌ای ندارند.

این دسته با این اتهام در واقع می‌خواستند در اصل مکتب شیعه تشکیک و تردید نمایند و اینگونه وانمود کنند که اخبار و احادیثی که در کتب حدیثی شیعه وجود دارد، قابل اعتماد نیست؛ چرا که بر اساس جرح و تعدیل راویان و با رعایت معیارها و ملاک‌های کتابت حدیث تدوین نشده‌اند.

سیوطی علمای امامیه را به تقصیر و کوتاهی در دانش رجال و اهمیت ندادن به آن و نداشتن تألیفات در علم رجال متهم می‌کند و می‌نویسد: «إن علماء العجم المتأخرین قد ضیعوا أنفسهم بترك تألیف یجمع شملهم» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۲۷ ق، ص ج، د)؛ یعنی اندیشمندان متأخر عجم به جهت نداشتن تألیفات در زمینه‌ای که از پراکندگی آنها جلوگیری نماید (رجال) خود را ضایع نمودند.

علامه آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد: «مراد سیوطی از علمای عجم، علمای شیعه می‌باشد» (همان).

یکی دیگر از عالمان اهل سنت می‌گوید: «ان الشیخ الطوسی اول کاتب فی الرجال عند الامامیه» (مکی عاملی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۴)؛ یعنی به اعتقاد امامیه (شیعه

اثنی عشری) اولین نویسنده رجال، شیخ طوسی می‌باشد.
نجاشی، اندیشمند بزرگ رجالی شیعه در مقدمه کتاب رجالش، انگیزه اصلی از تألیف آن را ردّ اتهامات معاندان و شبهات مخالفان بیان نموده است و می‌نویسد:

بر آنچه سید شریف (سید مرتضی) - که خداوند عمرش را طولانی و توفیقش را افزون گرداند - یادآور شدند اطلاع پیدا کردم که مخالفان (اهل سنت) ما را مورد تعییر و سرزنش قرار می‌دهند و می‌گویند: شما (شیعیان) از پیشینه علمی و فرهنگی برخوردار نیستید و دارای آثار و تألیفاتی نمی‌باشید (نجاشی، ۱۴۱۸ ق، مقدمه).

بدیهی است این اظهار نظرها یا جاهلانه است و حکایت از بی‌اطلاعی و عدم آگاهی مخالفان مکتب شیعه از آثار علمی علمای شیعه در علوم و فنون مختلف از جمله علم رجال می‌کند و یا از روی غرض‌ورزی و عناد و دشمنی آنان می‌باشد که چشم دیدن اعتلای مکتب شیعه را ندارند.

لذا نجاشی بعد از نقل اتهامات مخالفان می‌نویسد:

این گفتار کسی است که بهره‌ای از مردم‌شناسی، تاریخ آنان و آثاری که از خود بر جای گذاشتند، ندارد و با مطلعین و آگاهان نیز ملاقاتی نداشته است تا در جریان امر قرار بگیرد و ما را با جاهلین و ناآگاهان حجتی نیست (همان).

شیعه از همان ابتدا با قضیه نقل روایت از راویان مطمئن و مورد وثوق برخوردار مناسبی داشته است و تلاش می‌کرد تا با رعایت معیارها و موازین و جرح و تعدیل راویان به احادیث معتبر و قابل اعتماد دست پیدا کند. شیخ طوسی در کتاب *عدة الاصول* می‌نویسد:

علمای امامیه را اینگونه یافتیم که به تمییز و جداسازی ناقلان اخبار می‌پرداختند. راویان ثقه را توثیق و راویان ضعیف را تضعیف می‌کردند و فرق می‌گذاشتند بین کسی که به حدیث و روایتش اعتماد می‌شد و کسی که بر خبرش اعتماد نمی‌شد. ممدوحین را مدح و ستایش، مذمومین را مذمت و نکوهش می‌نمودند و می‌گفتند: فلانی در حدیثش متهم است. فلانی کذاب است. فلانی مخلط می‌باشد. فلانی در مذهب و اعتقاد، مخالف ماست. فلانی واقفی است. فلانی فطحی است و دیگر اموری که موجب طعن راوی و بی‌اعتبار شدن او می‌گردید*

(طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۴۱).

از این عبارت شیخ به روشنی استفاده می‌شود که بحث‌های مربوط به علم رجال و علم جرح و تعدیل در میان علمای شیعه از پیشینه بسیار طولانی برخوردار بوده است.

علامه حلی (حسن بن یوسف بن مطهر حلی، م. ۷۲۴) در مقدمه کتاب رجالش می‌نویسد:

به‌درستی که آگاهی از حال راویان، جزء اساس و پایه‌های احکام شرعی به حساب می‌آید که بر آن قواعد نقلیه استوار می‌باشد؛ بر هر مجتهدی معرفت و شناخت آن واجب و ترک و جهل به آن جایز نیست؛ زیرا بیشتر احکام از اخبار نبوی و روایات منقول از ائمه هدی علیهم‌السلام

* انا وجدنا الطائفة میزت الرجال الناقلة هذه الاخبار فوثقت الثقات منهم، و ضعفت الضعفاء، و فرقوا بین من يعتمد علی حدیثه و روایته، و من لا يعتمد علی خبره، و مدحوا الممدوح منهم، و ذموا المذموم منهم، و قالوا فلان متهم فی حدیثه، و فلان کذاب؛ و فلان مخلط؛ و فلان مخالف فی المذهب و الاعتقاد، و فلان واقفی، و فلان فطحی و غیر ذالک من الطعون التي ذكروها؛ و صنفوا فی ذالک الكتب

استفاده می‌شود؛ پس چاره‌ای جز شناخت صحیح آنها نیست؛ چرا که مشایخ و اساتید ما - که خدا رحمت‌شان کند - روایاتی را از افراد ثقه و غیرثقه و کسانی که به روایت آنها عمل می‌شود و کسانی که نمی‌توان به نقل و گفته‌های آنان اعتماد نمود، نقل نمودند؛ به همین جهت این ضرورت (ضرورت شناخت اخبار درست از نادرست) ما را وادار کرد تا تصنیف مختصری درباره‌ی راویان و کسانی که می‌شود به نقل آنها اعتماد نمود و کسانی که نمی‌شود به آنها اعتماد کرد انجام دهیم (حلی، ۱۴۱۱ ق، ص ۲).

همه اینها حکایت از اهتمام ویژه علمای امامیه به شناخت راویان و جرح و تعدیل آنان دارد و گواه روشن آن، ده‌ها اثر رجالی است که از خودشان به یادگار گذاشته‌اند (ر.ک. آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، پلانیان، ۱۴۲۳ ق).
از سوی دیگر اگر دانشمندان اهل سنت در موضوع علم رجال و شناخت راویان، توسعه و پیشرفت بیشتری از خود نشان دادند و تألیفات و تصنیفات فراوانی از خود بر جای گذاشته‌اند و به سامان‌بخشی آن پرداختند، بدان جهت بوده است که از شرایط سیاسی و اجتماعی مناسبی برخوردار بودند و آزادی عمل بیشتری از ناحیه حاکمان و دولتمردان داشتند؛ برخلاف شیعیان که همیشه محدودیت‌هایی از ناحیه حاکمان در حق آنها اعمال می‌شده است و تنگناها و فشارهای فراوانی را متوجه آنها می‌ساخته است و مانع از حضور فعال و تأثیرگذار آنان در عرصه فرهنگی می‌شده است.

قاضی نورالله شوشتری، اندیشمند نام‌آور شیعه، پدیده فوق را اینگونه تحلیل

و ارزیابی می‌نماید:

شیعه علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام با اینکه در هر عصر و زمانی در مخفی‌گاه پنهان بودند، از دم تیغ ستمکاران در امان نماندند؛ آنان برای رهایی از این مخمصه خطرناک، چاره کار را در تقیه دیده، طعم تلخ صبر بر این مصائب را به امید روز رهایی چشیدند؛ از این رو دست از ترجمه و شرح حال ارکان شریعت و بزرگان علم کشیدند و احوال خود را جز در جمع اسامی و احوال راویان، پنهان داشتند و در بیان احوال راویان نیز به طریق اجمال و اختصار بسنده کردند؛ با این حال اکثر تألیفات آنان با سوختن و شستن مفقود گردید و یا به دستور حاکمان جور، در دل خاک و زوایای خانه‌ها فرسوده شد (شوشتری، ۱۳۷۵، ق، ج ۱، ص ۳-۴).

با همه این احوال، درمی‌یابیم که بزرگان شیعه از این موضوع مهم غفلت ننمودند و در سخت‌ترین شرایط و با کمترین امکانات در جمع‌آوری اسامی و معرفی راویان و جرح و تعدیل آنان سعی بلیغ نمودند و آثاری از خود به یادگار گذاشتند که در این قسمت تنها به تلاش علمی اصحاب ائمه علیهم السلام در نوشتن کتاب‌های رجالی بسنده می‌کنیم و تفصیل آن را به مجالی دیگر موکول می‌کنیم.

نوشته‌های رجالی اصحاب ائمه

ضرورت حفظ و صیانت از حدیث و مقابله با جریان‌های فکری و فرهنگی منحرف، از جمله حدیث‌سازان و دروغ‌پردازان (احمد امینی، ۱۴۱۶، ق، ج ۵، ص ۴۷۵، ۳۰۱) موجب گردید تا اصحاب ائمه علیهم السلام عنایت ویژه‌ای نسبت به راویان حدیث داشته باشند؛ به همین جهت کتاب‌هایی برای معرفی راویان و جرح و تعدیل آنان تألیف و تصنیف نمودند که اهم آنها چنین است:

۱. عبدالله بن جبلة (م. ۲۱۹ ق) (نجاشی، ۱۴۱۸، ق، ص ۲۱۶، ش ۵۶۳) از اصحاب امام

کاظم علیه السلام (طوسی، ۱۳۸۰ ق، ص ۳۵۶، ش ۳۳).

نجاشی درباره این مرد نوشته است: «و كان فقيها ثقة مشهورا، له كتب منها: كتاب الرجال» (نجاشی، پیشین).

علامه آقا بزرگ تهرانی این کتاب را با عنوان «رجال ابن جبله الکنانی» و نیز با عنوان «رجال عبدالله» معرفی نموده است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰، ص ۸۴ و ۱۲۷).

۲. حسن بن علی بن فضال معروف به «ابن فضال کبیر» (م. ۲۲۴ ق) (نجاشی، ۱۴۱۸ ق، ص ۳۶، ش ۷۲) از اصحاب امام رضا علیه السلام (طوسی، ۱۳۸۰ ق، ص ۳۱۷، ش ۲).

شیخ طوسی او را چنین ستوده است: «روى عن الرضا علیه السلام و كان خصيصاً به كان جليل القدر، عظيم المنزلة زاهداً ورعاً، ثقة في الحديث و في رواياته» (طوسی، بی تا، ۴۸، ش ۱۵۳).

همچنین نجاشی، از جمله آثار علمی ایشان را «کتاب الرجال» برشمرده است (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۳۶، ش ۷۲).

علامه تهرانی این کتاب را با عنوان «رجال ابن فضال کبیر» فهرست نموده و اظهار داشته است این کتاب در زمان نجاشی معروف بوده است و در اختیار ایشان قرار داشت (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۸۹).

۳. حسن بن محبوب (۱۴۹ - ۲۲۴ ق) (طوسی، ۱۳۴۸ ق، ص ۵۸۴، ج ۱۰۹۴) از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیه السلام (طوسی، ۱۳۸۰ ق، ص ۳۴۷، ج ۹ و ۳۷۲، ح ۱۱).

شیخ طوسی درباره اش می نویسد: «ثقة، و كان جليل القدر، يعدّ في الاركان الاربعة في عصره و له كتب كثيرة منها كتاب "المشيخة"» (طوسی، بی تا، ص ۴۶، ح ۱۵۱).

اندیشمندان شیعی از کتاب رجالی ابن محبوب با عنوان «رجال ابن محبوب» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰، ص ۹۰)، «المشيخة» (طوسی، بی تا، ص ۱۲۲، ح ۱۶۲) و

«معرفة رواة الاخبار» (شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۵۳، ص ۳۳، ح ۱۸۲) یاد کرده‌اند. از علامه تهرانی استفاده می‌شود که این محبوب دارای دو کتاب در موضوع رجال بوده است: «المشيخة» و «معرفة رواة الاخبار»؛ چه اینکه ایشان احتمال یکی دانستن این دو کتاب را بعید می‌داند (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۱۲۸).

با این حال تحقیق مطلب آن است که کتاب «المشيخة» حسن بن محبوب یک کتاب رجالی نیست، بلکه یک کتاب حدیثی است.*

۴. احمد بن محمد بن خالد البرقی (م. ۲۷۴ / ۲۸۰ ق) (نجاشی، ۱۴۱۸، ق، ص ۷۷، ح ۱۸۲) از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام (طوسی، ۱۳۸۰، ق، ص ۳۹۸، ح ۸ و ص ۴۱۰، ح ۱۶).

از آثار علمی ایشان کتابی است که در علم رجال تألیف نموده است. نجاشی این کتاب را با عنوان «کتاب الطبقات» (نجاشی، ۱۴۱۸، ق، ص ۷۶، ح ۱۸۲) و شیخ با عنوان «کتاب طبقات الرجال» (طوسی، بی‌تا، ص ۲۰، ح ۵۵) یاد کردند. علامه آقا بزرگ تهرانی این کتاب را با عنوان «رجال البرقی الصغير» و نیز با عنوان‌های «کتاب الطبقات» و «طبقات الرجال» ذکر کرده است و اضافه می‌کند: ابوجعفر برقی دو کتاب در دانش رجال دارد؛ یکی کتاب «طبقات» که در آن اصحاب پیامبر و امامان علیهم السلام به ترتیب ذکر شده است و دیگری کتاب «الرجال» که گویا به ترتیب طبقات نمی‌باشد (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ق، ج ۱۰، ص ۹۹، ج ۱۵، صص ۱۴۵ و ۱۴۷).

۵. علی بن حسن بن علی بن فضال معروف به ابن فضال صغیر از اصحاب امام هادی و امام عسکری علیهما السلام (طوسی، ۱۴۱۸، ق، ص ۴۱۹، ح ۲۶ و ص ۴۳۳، ح ۱۲).

شیخ طوسی درباره‌اش نوشته است: «فطحی المذهب ثقة، کوفی، کثیر العلم».

* دلایل آن در کتاب دانش رجال، جلد ۱ اثر نگارنده ذکر شده است.

واسع الروایة و الاخبار، جید التصانیف غیرمعاند و کان قریب الامر الی اصحابنا
الإمامیة القائلین بالاثنی عشر» (طوسی، بی تا، ص ۹۲، ح ۳۸۱).

نجاشی و شیخ طوسی «کتاب الرجال» را از جمله آثار او برشمرده اند (نجاشی،
۱۴۱۸ ق، ص ۲۵۸، ح ۶۷۶ / طوسی، بی تا، ص ۹۲، ح ۳۸۱).

علامه آقا بزرگ تهرانی از این کتاب با عنوان «رجال ابن فضال صغیر» یاد نموده
است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰، ص ۹۰).

روش‌ها و مسلک‌ها

تفنن و تنوع در تدوین دانش رجال، موجب شد شاهد گستردگی و غنابخشی این
علم باشیم؛ زیرا عالمان دین سعی کردند با تلاش‌های علمی و تحقیقی خودشان،
دانش رجال را در ابعاد مختلف و زوایای گوناگون مورد تحلیل و ارزیابی قرار بدهند
و با تنوع در روش‌ها و رویکردها، تحولی در این علم به وجود آورند و آن را وارد
مرحله جدیدی کنند.

نتیجه این تلاش‌ها، فراهم گشتن مجموعه‌های سودمند رجالی با نگرش‌های
متفاوت و دیدگاه‌های گوناگون بوده است.

در این قسمت به تنوع کتاب‌های رجالی و اختلاف مسلک‌ها و مشرب‌ها در
چگونگی تدوین آنها اشاره خواهد شد.

۱. روش طبقاتی

بعضی از کتاب‌های رجالی بر منهج «طبقات روات» تنظیم و تدوین گردیده است و
نویسنده سعی کرده با دسته‌بندی خاص راویان، طبقات فراوانی تأسیس نماید و
هر یک از راویان را در جایگاه خاص خودش قرار دهد.

این عملیات، نیازمند تلاش گسترده‌ای است تا نویسنده با احاطه کامل بر اسنادهای روایات و اطلاع دقیق از زمان ولادت و وفات راویان، عصر زندگی آنها، ملاحظه استادان و شاگردان و دیگر قرائن، بتواند طبقه زمانی هر یک را روشن نموده، جایگاه آن را مشخص نماید.

روش طبقاتی در راوی‌شناسی دارای آثار و فوائد ارزشمندی است که مهم‌ترین آنها در «مسند» یا «مرسل» بودن روایت ظاهر می‌شود.

کتاب‌هایی مانند: رجال کشی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۲۷۵ / همو، ۱۴۰۳، ج ۱۰، صص ۱۴۱ و ۱۴۷ و ج ۲۱، ص ۲۶۱ / کلباسی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۸۰ / سبحانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۸ - ۶۰) محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی،* از معاصران کلینی (متوفی سن ۳۲۸ یا ۲۳۹ ق) موسوی خویی، (۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۶۴، ح ۱۱۴۳۲ / آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۴۰)، رجال طوسی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۴۰۲ / همو، ج ۱، صص ۷۳ و ۳۲۹ و ج ۱۰، صص ۱۲۰ و ۱۴۴ / کلباسی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۳۴ / سبحانی، ۱۴۱۵، ج ۱، صص ۶۸ - ۶۹) محمد بن حسن طوسی (م. ۴۶۰)، رجال برقی (نجاشی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۷۶، ح ۱۸۲ / طوسی، بی‌تا، ص ۵۱، ش ۶۵ / آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۶۱ / همو، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۹ و ج ۱۵، صص ۱۴۵ و ۱۴۷) احمد بن محمد بن خالد برقی (م. ۲۷۴ / ۲۸۰) (نجاشی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۷۶، ح ۱۸۲)، طرائف المقال فی معرفة طبقات الرواة (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، صص ۳۲۸ و ۳۳۹ / همو، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۱۳۷ و ج ۱۵، ص ۱۴۹ / طلائیان، ۱۴۲۳، ج ۱، صص ۱۸۸ - ۱۸۹) سید علی اصغر جابلقی بروجردی (م. ۱۳۱۳ ق) و الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعه (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، صص ۲۶۹ - ۲۷۰ / همو، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۶۰ و ج ۱۰، ص ۱۳۴ و ج ۱۵، صص ۱۴۷ و ۱۵۱ / طلائیان، ۱۴۲۳، ج ۱، صص ۱۲۹ - ۱۳۰) علی بن احمد الدشتکی، معروف به سید

* منتسب به شهرکش از شهرهای ماوراءالنهر، در نزدیکی سمرقند (قمی، ج ۳، ص ۱۱۶ / زرکلی، ۱۹۸۹، ج ۶، ص ۳۱۱).

علیخان مدنی (۱۰۵۲ - ۱۱۱۸ ق)، همچنین طبقات رجال الکافی، طبقات رجال التهذیب، طبقات رجال الفقیه سید حسین طباطبایی بروجردی (۱۲۹۲ - ۱۳۸۰) بر روش طبقاتی تدوین گشته‌اند (حسینی جلالی، ۱۴۱۹ ق، ص ۳۳ / طلائیان، ۱۴۲۳ ق، ص ۲۳۴ - ۲۳۶).

۲. جرح و تعدیل راویان

کتاب‌های رجالی بر اساس جرح و تعدیل راویان تدوین گشته‌اند و تلاش نویسنده بر این بوده تا با شناسایی دقیق راویان از جهت وثاقت و عدم وثاقت، امامی بودن و عامی بودن، ستایش و نکوهش و دیگر حالات و صفات راویان، آنها را در بخش‌های ممدوحین و مذمومین، صحاح و ضعاف و... قرار بدهد تا آسان‌تر بتوان به جایگاه راوی دسترسی پیدا کرد و راحت‌تر به بازشناسی راویان و ارزشیابی احادیث پرداخت.

این روش یکی از روش‌های سودمند و در عین حال دقیق و ظریف خواهد بود؛ زیرا چه‌بسا دیدگاه رجالیون و حدیث‌شناسان پیرامون یک راوی از جهت جرح و تعدیل متفاوت بوده، تعارض را به دنبال خود داشته باشد و نویسنده باید با نقد علمی، نظریه صحیح را انتخاب نماید.

کتاب‌هایی مانند: رجال علامه حلی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۱۳۱-۱۳۲ / همو، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰ ص ۱۳۳ / کلباسی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۲۰ / سبحانی، ۱۴۱۵، ص ۱۱۹) حسن بن یوسف بن مطهر حلی (۶۴۸-۷۲۶)، رجال ابن داوود (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۱۲۶ / همو، ۱۴۰۳، ج ۱۰، صص ۸۴ و ۱۰۱ / کلباسی، ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۲۷۹-۲۹۳) حسن بن علی حلی، معروف به ابن داوود (۶۴۷ تا بعد از ۷۰۷)، اتقان المقال فی احوال الرجال (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۲۰۷-۲۰۸ / همو، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۸۳ و ج ۱۰، ص ۱۲۲ / طلائیان، ۱۴۲۳، ص

۱۹۹-۲۰۰) محمد طه نجف، (م. ۱۳۲۳ ق) و حاوی الاقوال فی معرفة الرجال (آقا بزرگ
تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۲۵۱-۲۵۲/ همو، ۱۴۰۳، ج ۶ ص ۲۳۷ و ج ۱۰، ص ۱۳۰/ طلائیان، ۱۴۲۳، ص
۸۹-۹۱) عبدالنسی جزائری (م. ۱۰۲۱ ق) بر مبنای جرح و تعدیل راویان تنظیم و
تدوین گشته است.

۳. اصل و کتاب

از کتاب‌های رجالی که بر مبنای تألیف و تصنیف تنظیم گردیده است و هدف
نویسنده این بوده که راویان دارای اصل و کتاب* راگردآوری نماید و اسامی آنها را
با ذکر تألیفات و تصنیفاتشان متذکر گردد؛ ضمن آنکه ممکن است به جرح و
تعدیل آنان نیز پرداخته باشد.

کتاب‌هایی مانند: رجال نجاشی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۵۸/ همو، ۱۴۰۳، ج ۱۰،
ص ۱۵۴-۱۵۵ و ج ۱۶، ص ۳۷۶/ کلباسی، ۱۴۱۹، ق، ص ۱۸۲-۲۱۲/ سبحانی، ۱۴۱۵، ق، ص ۶۰-
۶۸) ابوالعباس احمد بن علی بن احمد نجاشی (۳۷۲-۴۵۰)، فهرست شیخ طوسی
(آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ج ۱۶، ص ۳۸۴/ کلباسی، ۱۴۱۹، ق، ج ۱، ص ۱۰۶-۱۳۴/ سبحانی، ۱۴۱۵،
ق، ص ۶۹-۷۱) محمد بن حسن طوسی (۳۸۵-۴۶۰)، فهرست شیخ منتجب‌الدین
(آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۴۶۳ و ۴۶۴/ همو، ۱۴۰۳، ق، ج ۱۰، ص ۸۳ و ۱۳۶ و ج ۱۶، ص ۳۷۶ و
۳۹۵-۳۹۶/ سبحانی، ۱۴۱۵، ق، ۱۱۰-۱۱۲/ طلائیان، ۱۴۲۳، ق، ص ۶۱-۶۲)، (۵۰۴-۵۸۵) و
معالم العلماء (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۴۱۴-۴۱۵/ همو، ۱۴۰۳، ق، ج ۱۰، ص ۱۴۶ و ج ۲۱،
ص ۲۰۱/ سبحانی، ۱۴۱۵، ق، ص ۱۱۳) محمد بن علی سروی معروف به ابن شهر آشوب
مازندرانی (۴۸۸-۵۸۸) بر این پایه تدوین شدند.

* برای آشنایی با مفهوم اصل و کتاب و فرق بین آن دو ر. ک. به: آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲،
ص ۱۲۵-۱۲۵/ عاملی، ۱۴۲۲، ق، ج ۲، ص ۳۳/ بحر العلوم، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۶۷/ مجله علوم حدیث،
ش ۶

۴. مشترکات یا راویان مشترک

این دسته شامل کتاب‌هایی است که در خصوص راویان مشترک نوشته شده‌اند. توضیح اینکه در میان راویان به افرادی برخورد می‌کنیم که مشترک بین دو نفر یا بیشتر از دو نفر می‌باشند. وجود چنین افرادی در زنجیره سند یک روایت، ما را در تحلیل و ارزیابی آن روایت و دستیابی به اعتبار یا عدم اعتبار آن با مشکل روبرو می‌سازد؛ زیرا چه بسا اتفاق می‌افتد که راویان مشترک در توثیق و تضعیف یکسان نیستند، بلکه یکی توثیق شده و دیگری تضعیف و لذا قبل از هر چیز باید به هویت‌شناسی راوی پردازیم تا از حالت ابهام بیرون بیاید و وثاقت و ضعف او مشخص گردد تا در نتیجه، سرنوشت روایت نیز روشن گردد.

تمیز و جداسازی راویان مشترک کار آسانی نیست؛ از این رو بعضی از بزرگان و دانشمندان دانش رجال تلاش کردند تا با بهره‌گیری از قواعد رجالی به جداسازی راویان مشترک پردازند و کتاب‌های خاصی در این موضوع به نگارش درآوردند.

کتاب‌هایی مانند: *هدایة المحدثین الی طریق المحدثین*، معروف به *مشترکات کاظمی* (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۸۴ / همو، ۱۴۰۳، ق. ج ۱۰ ص ۹۷؛ ج ۱۳، ص ۱۷۲ و ج ۲۵، ص ۱۹۰) محمد امین کاظمی (زنده ۱۱۱۸ ق) (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۸۴) و *جامع المقال فیما یتعلق باحوال الحدیث و الرجال* (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۳۵۰ - ۳۵۱ / همو، ۱۴۰۳، ق. ج ۱۰، صص ۱۲۲ و ۱۲۸ و ج ۲۱، ص ۴۰ / طلائیان، ۱۴۲۳، ق. ص ۱۰۹ - ۱۱۰، ج ۲۱۹) *فخرالدین محمد کاظم طریحی*، صاحب *مجمع البحرین* (۹۷۹-۱۰۸۵) بر مبنای تمیز مشترکات، تألیف شده‌اند.

۵. رجال جوامع حدیثی

قسم دیگری از کتاب‌های رجالی، کتاب‌هایی هستند که بر مبنای راویان ناقل تدوین شده‌اند؛ یعنی نویسنده با تتبع در کتاب‌های روایی و جوامع حدیثی و دقت در سندهای روایات تلاش نموده تا همه کسانی را که به نوعی در نقل حدیث نقش داشته‌اند و در سلسله سند روایت قرار گرفته‌اند، جمع‌آوری نماید و شرح اجمالی از استادان و شاگردان راوی، طبقه او و اینکه از اصحاب کدام معصوم علیه السلام شمرده شده است و یا نقل روایت از کدام معصوم علیه السلام می‌نماید و نیز از جایگاه راوی و اعتبار یا عدم اعتبار روایتش ارائه دهد. این قسم از کتاب‌های رجالی بر دو گونه‌اند: برخی منحصر در راویان کتب اربعه (کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار) می‌باشند و مؤلف تنها به گردآوری همه کسانی که در سلسله سند روایات کتب اربعه قرار گرفته‌اند، پرداخته است؛ مانند: جامع الرواة (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۴۲۹ / همو، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۵۴-۵۶ و ج ۱۰، صص ۶۰، ۹۵ و ۱۴۵) محمد بن علی اردبیلی (زنده ۱۱۱۰ ق) (اردبیلی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۵۵۲) و معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة (سبحانی، ۱۴۱۵، ص ۱۴۶-۱۴۷ / پلاتیان، ۱۴۲۳، ق، ص ۲۹۱-۲۹۲) سید ابوالقاسم موسوی خویی (۱۲۷۷-۱۳۷۱) و دسته دوم علاوه بر راویان کتب اربعه، کتاب‌های حدیثی دیگر مانند: علل الشرایع، خصال، امالی مفید، غیبه نعمانی و... را نیز مورد توجه قرار داده، به جمع‌آوری تمام راویان آنها پرداخته است؛ مانند: الجامع فی الرجال (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۴۶۶ / همو، ۱۴۰۲، ج ۱۰، ص ۱۵۱ / پلاتیان، ۱۴۲۳، ق، ص ۲۳۷-۲۳۸، ح ۵۵۵) شیخ موسی زنجانی (۱۳۲۸-۱۳۹۹، ق) و مستدرکات علم رجال الحدیث (پلاتیان، ۱۴۲۳، ق، ص ۲۹۶ و ۲۹۷، ح ۶۷۹) شیخ علی نمازی شاهرودی.

۶. شرح، تعلیقه و حاشیه‌نویسی

از جمله کارهای علمی عالمان و فرهیختگان، شرح، تعلیقه و حاشیه‌نویسی بوده است. با یک سیر اجمالی در کتاب‌هایی مانند: *مصنفی المقال فی مصنفی علم الرجال؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة، اعیان الشیعة، ریاض العلماء، روضات الجنات، ریحانة الادب* و دیگر مجموعه‌هایی که به شرح حال نگاری عالمان و اندیشمندان و تألیفات آنها پرداخته‌اند، در جریان تلاش گسترده علمی بزرگان علم و اندیشه در این بخش قرار خواهیم گرفت.

معمول در میان فقها، اصولیون، متکلمین و... این بوده است که اگر یک شخصیت فرهیخته و علمی در موضوع خاصی کتابی تألیف می‌نمود که از بُعد علمی کتابی متقن و قابل استفاده به حساب می‌آمد، به عنوان یک اثر ماندگار مورد توجه دیگر بزرگان علمی قرار می‌گرفت و در نتیجه با محور قرار دادن آن کتاب، به شرح، تعلیقه و حاشیه‌نویسی اقدام می‌نمودند؛ برای نمونه کتاب‌هایی مانند: «*شرایع الاسلام*» محقق حنی و «*العروة الوثقی*» فقیه یزدی در موضوع فقه، محور کار فقهای بزرگ قرار می‌گیرد و صدها شرح، حاشیه و تعلیقه بر آنها نوشته می‌شود.

کتاب «*کفایة الاصول*» آخوند خراسانی و «*رسائل*» شیخ اعظم انصاری نیز در موضوع علم اصول مورد توجه اصولیون واقع می‌شود و به شرح‌نویسی یا نوشتن حاشیه و تعلیقه بر آنها همت می‌گمارند.

کتاب *تجرید الاعتقاد* طوسی در بخش کلام مورد عنایت متکلمین و عقائدشناسان قرار می‌گیرد و شروح و حواشی فراوانی بر آن نوشته می‌شود.

در زمینه رجال نیز محققان شاهد چنین تلاشی از طرف رجالیون و علاقه‌مندان به دانش رجال هستند؛ بخشی از کتاب‌های رجالی بر پایه شرح‌نویسی یا حاشیه و تعلیقه بر یکی از کتاب‌های معتبر رجالی به نگارش

درآمدند. کتاب‌هایی از قبیل *معراج اهل الکیمال الی معرفة الرجال* (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۱۸۸-۱۸۹ / همو، ۱۴۰۳، ق. ج ۲، ص ۲۲۸ / طلائیان، ۱۴۲۳، ق. ص ۱۳۱، ش ۲۶۸) سلیمان بن عبدالله ماحوزی، معروف به محقق بحرانی (۱۰۷۰-۱۱۲۱ ق) که شرح ناتمامی بر فهرست شیخ طوسی است و *یا تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال* (طلائیان، ۱۴۲۳، ق. ص ۲۸۶-۲۸۷) سید محمد علی موحد ابطحی که شرح مبسوطی بر *رجال نجاشی* است؛ *التعلیقة البهبهانیة* (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۸۶-۸۷ / همو، ۱۴۰۳، ق. ص ۴، ج ۴، ص ۲۲۲ و ج ۱۰، ص ۹۸) محمد باقر بن محمد اکمل، معروف به استاد کل وحید بهبهانی (۱۱۱۸-۱۲۰۶ ق) که تعلیقه‌هایی است بر *منهج المقال* میرزا محمد استرآبادی.

۷. نقدنویسی

نقدنویسی کاری است بس دشوار و سخت و بسیار دقیق و علمی؛ چه اینکه کمتر کسی جرئت پیدا می‌کند در این وادی قدم بگذارد و به نقد کتاب‌ها، مقالات، رساله‌ها و سخنرانی‌ها بپردازد؛ چرا که این کار نیازمند شرایط ویژه‌ای است؛ بنابراین تا زمانی که کسی واجد آن شرایط نگردد، شایسته نقدنویسی نخواهد بود. بعضی از کتاب‌های رجالی بر پایه نقدنویسی تدوین شده است، مانند: *نقد الرجال* (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ۴۵۹ / همو، ۱۴۰۳، ق. ج ۱۰، صص ۱۰۱ و ۱۵۱ و ج ۲۴، ص ۲۷۵، ۲۷۴) سید مصطفی حسینی تفرشی، (۱۰۴۴ ق) و *قاموس الرجال* (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۹۷ / همو، ۱۴۰۳، ق. ج ۴، ص ۴۶۶ و ج ۱۰، ص ۱۰۱ / سبحانی، ۱۴۱۵، ق. ص ۱۳۶ / طلائیان، ۱۴۲۳، ق. ص ۲۵۰-۲۵۱، ش ۵۸۲) اثر ماندگار عالم کم‌نظیر شیعه علامه شیخ محمد تقی شوشتری (۱۳۲۰-۱۴۱۵ ق) که در واقع، نقدی است عالمانه و محققانه بر یکی از کتاب‌های مهم رجالی، یعنی *تنقیح المقال* علامه مامقانی.

۸. روش تحقیقی و تحلیلی

کتاب‌های رجالی را به اعتباری می‌توانیم به دو دسته تقسیم کنیم:

الف. کتاب‌های رجالی گزارشی؛ ب. کتاب‌های رجالی استنباطی.

کتاب رجالی قدما، بیشتر جنبه گزارشی دارد؛ ولی بخشی از کتاب‌های رجالی متأخرین جنبه تحلیلی و اجتهادی دارد؛ یعنی افزون بر داده‌های کتب رجالی، گزارشی از اطلاعات جنبی نیز برای داوری درباره روایان اخبار ارائه می‌کند؛ کتاب‌هایی مانند: قاموس الرجال محمد تقی شوشتری، توضیح المقال (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۲۲۲-۲۳۳ / همو، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۴۹۸ و ج ۱۰، ص ۱۳۷) ملا علی کنی (۱۲۲۰-۱۳۰۶ ق)، رجال خاقانی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۲۱۶-۲۱۷ / همو، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۴۰ و ج ۱۰، ص ۱۳۴ / طلائیان، ۱۴۲۳، ق. ص ۲۰۶-۲۰۷، ج ۴۶۸) علی بن حسین خاقانی نجفی (م. ۱۳۳۴ ق) و ... از این نوع باشند.

۹. دائرة المعارف‌های رجالی

دسته‌ای از کتب رجالی به انگیزه ارائه شرح حال جامع و کامل از راوی تألیف گشته‌اند. در این نوع از کتاب‌ها مؤلف سعی نموده با گردآوری قرائن و ملاحظه داده‌های علمی دیگر، اطلاعات وسیع و گسترده‌ای از روایان در اختیار خواننده قرار دهد؛ کتاب‌هایی مانند: منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۴۳۰ / همو، ۱۴۰۳، ج ۱۰، صص ۱۴۱ و ۱۴۵ و ج ۲۵، ص ۴۲ / سبحانی، ۱۴۱۵، ق. ص ۱۲۷-۱۲۸ / طلائیان، ۱۴۲۳، ق. ص ۹۱-۹۳، ج ۱۸۱) میرزا محمد استرآبادی (م. ۱۰۲۸ ق) و تنقیح المقال فی احوال الرجال (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ص ۲۵۰ / همو، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۱۲۷ و ج ۲۴، ص ۴۸ / سبحانی، ۱۴۱۵، ق. ص ۱۳۴-۱۳۶ / طلائیان، ۱۴۲۳، ق. ص ۲۱۳-۲۱۵، ج ۴۸۹) عبدالله مامقانی (۱۲۸۷-۱۳۵۱ ق) از این قبیل می‌باشند.

۱۰. فایده‌های رجالی

الفوائد الرجالية (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۶، ص ۳۳۶-۳۴۰) عنوان کتابی است که در میان آثار علمی دانشمندان رجالی شیعه به چشم می‌خورد و در آن مبانی رجالی نویسنده در چند فایده که جنبه قواعد به خود می‌گیرد و به عنوان یک اصل علمی دارای کاربرد رجالی می‌باشد، مطرح می‌شود؛ مانند: الفوائد الرجالية استاد کل وحید بهبهانی (۱۱۱۸-۱۲۰۶ ق)، الفوائد الرجالية محمد اسماعیل خواجه‌ویی (م). ۱۱۷۳ ق) و الفوائد الرجالية بحر العلوم محمد رضا بن محمد مهدی (۱۱۸۹-۱۲۵۳ ق) و

غربت دانش رجال

کارآمدی دانش رجال در حفظ و صیانت از سنت و احادیث معصومین علیهم‌السلام و اهتمام ویژه اصحاب بزرگوار ائمه علیهم‌السلام و توجه خاص عالمان و فقیهان برجسته شیعه به این علم بر کسی پوشیده نیست. گواه روشن آن آثار گران سنگ رجالی است که از آنان به جای مانده است؛ با این حال با کمال تأسف و تأثر فراوان، شاهد افول و کم‌رونی این علم در اعصار متأخر هستیم. بی‌توجهی نسبت به این علم به جایی رسیده که گویا علم رجال جزء علوم دینی محسوب نمی‌گردد. در اینجا باید به این حقیقت اشاره شود که متأسفانه در سده اخیر - بویژه در این چهار قرن اخیر - تألیف جدید و استواری که از سبکی نو و شیوه‌ای ابتکاری و روشی کارآمد برخوردار باشد، عرضه نشده است؛ جز تعدادی کتب انگشت‌شمار مانند: جامع الرواة، تنقیح المقال، قاموس الرجال، معجم رجال الحديث و الموسوعة الرجالية.

شاید علت این رکود بنا بر آنچه بعضی از فهرست‌نگاران کتب شیعی و متخصصان کتاب‌شناسی ذکر کرده‌اند، این باشد که تألیفات کتب رجالی

متأخرین، از انگیزه‌ای جز نوشتن کتاب نشأت نگرفته است؛ بدون اینکه هدفی برای تخصصی کردن این علم داشته باشند و یا اینکه احساس کنند به غور و تعمق - حتی به اندکی از آنچه در علم فقه و اصول به کار می‌برند - احتیاج داشته باشند؛ به همین دلیل است که می‌بینیم نویسندگان کتاب‌های رجالی در پایان فعالیت‌های علمی خویش و در اواخر عمر به تألیف در علم رجال می‌پردازند؛ تنها به این جهت که فهرست تألیفاتشان از کتاب رجالی خالی نماند؛ بدین ترتیب آثار نادر و بی‌همتایی که در میان سایر علوم وجود دارد، در علم رجال کمتر دیده می‌شود.

آری، دانش رجال با آن همه بلندی رتبت و علو منزلت، دانشی است که نیازمند توجه بیشتر محققان می‌باشد و لازم است تحقیقات اساسی و ارزشمند و دائرةالمعارف‌های بزرگ رجالی تدوین گردد.

فقیه نامدار شیعه حضرت آیه الله خویی رحمته الله علیه می‌نویسد: «علم رجال از دیرباز مورد توجه دانشمندان و فقیهان قرار گرفته است؛ ولی در عصر حاضر چندان فروگذاری شده و نسبت به آن بی‌توجهی می‌شود که گویی اجتهاد و استنباط احکام شرعی بدان وابسته نیست.»* (خویی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۱)

علامه مامقانی رحمته الله علیه می‌گوید: «علم درایه از جمله علمی است که فقه و اجتهاد بر آن توقف دارد و در زمان ما به‌طور کلی مهجور و فراموش گشته است تا جایی که کمتر افرادی پیدا می‌شوند که آگاه به این دو علم و آشنا به نکات و دقایق آن باشند؛ در نتیجه، جزء علوم غریبه و مباحث ترک شده به حساب می‌آیند؛ بدان جهت بر خود واجب عینی دانستم که کتابی در هر دو

* إن علم الرجال كان من العلوم التي اهتم بشأنه علماءنا الاقدمون و فقهاؤنا السابقون، ولكن قد أهمل أمره في الاعصار المتأخرة حتى كأنه لا يتوقف عليه الاجتهاد والاستنباط الاحكام الشرعية.

علم تصنیف بنماییم تا دربرگیرنده همه مطالب این دو علم و تبیین‌کننده دقایق و نکات آن باشد و برای خواننده وافی و کافی باشد. * (مامقانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، مقدمه)

علامه سید محسن جبل عاملی نیز از غربت و بی‌توجهی به علم رجال چنین می‌نالد و می‌نویسد:

در زمان‌های متأخر به خصوص در عصر ما، نسبت به علم رجال و حدیث بی‌توجهی و سهل‌انگاری شده است و بیشتر به علم اصول فقه پرداخته می‌شود و در تصحیح و تصحیف روایات تنها به اقوال گذشتگان اکتفا می‌گردد؛ چنان‌که نسبت به علم تفسیر و فقه القرآن نیز کم‌توجهی می‌شود؛ در حالی که اهمیت و ارزش این علوم بسیار واضح و روشن می‌باشد. علم اصول فقه اگرچه رکن اعظم استنباط احکام شرعی به حساب می‌آید، و لکن سزاوار نیست تمام عمر را در فراگیری این علم صرف نمود و از علوم دیگر غفلت کرد؛ چرا که اهمیت علوم دیگر کمتر از اهمیت علم اصول فقه نمی‌باشد. ** (امین، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۲۴)

علامه تستری نیز می‌نویسد:

* لما كان علما الدراية والرجال من العلوم المتوقف عليهما الفقه والاجتهاد عند اولي الفهم والاعتبار و صاروا في ازمئنتنا مهجورين بالمرّة حتى لا تكاد تجد بهما خبيراً و بنكاتهما بصيراً بل صاروا من العلوم الغريبة والمباحث المتروكة رأيت من الفرض اللازم عليّ عيناً تصنیف كتابين فيهما جامعين لهما باحثين عنهما واقفين بشتاتهما كافيين لمن طلبهما كاشفين عن غوامضهما مبينين لدقائقهما موضحين لحقائقهما.

** قد حصل التهاون في علم الرجال من المتأخرين في عصرنا و ما قرب منه و في علم الحديث و اشتغل الناس عنهما بعلم اصول الفقه و صاروا يكفون في تصحيح الروايات و تضعيقها بما صححه غيرهم كما تهاونوا في علم التفسير و علم فقه القرآن مع وضوح الاهمية في هذه العلوم و علم اصول الفقه و ان كان الركن الاعظم في استنباط الاحكام الشرعية الا أنه لا ينبغي صرف العمر فيه و اهمال ما سواه مما لا يقصر عنه في الاهمية.

جای شگفتی است که اندیشمندان اسلامی فن رجال را که اصل و پایه حدیث به حساب می‌آید و در میان گذشتگان از اهمیت ویژه و خاصی برخوردار بوده است و اکثر آنان از زمان امام کاظم علیه السلام به بعد در این فن تصنیف و تألیف داشته‌اند، ترک نمودند و رها کردند. * (تستری،

۱۴۱۰ ق، ج ۱۲، ص ۴۰۴)

فرزند شهید ثانی، معروف به صاحب معالم نیز از مهجوریت حدیث و علوم مربوط به آن شکوه می‌کند و در مقدمه کتاب بسیار سودمند منتقی الجمان می‌نویسد:

آنچه ما را وادار کرده است که دست به تألیف چنین کتابی (منتقی الجمان) بزنیم، متلاشی گشتن امر حدیث و نادیده گرفتن اهمیت آن می‌باشد؛ تا جایی که شاهد وقوع فراوان تصحیف و تحریف در آن هستیم؛ چون همت‌ها در ادای حق حدیث اندک و نیروها از قیام به آن ضعیف گشتند با اینکه مدار استنباط اکثر احکام در زمان ما و مرجع فتاوی در اغلب فروع فقهی بر حدیث می‌باشد. ** (شهید ثانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲)

* و من الغریب انهم ترکوا فن الرجال الذی هو اصل الحدیث و کان من الاهیة عند القدماء حتی صنّف فیہ جلهم من عصر الکاظم علیه السلام فی ما وقفنا.

** والذی حدانا علی ذالک ما رأیناه من تلاش امر الحدیث حتی فشا فیہ الغلط والتصحیف و کثرفی خلاله التغبیر والتحریف لتقاعد الهمم عن القیام بحقه و تخاذل القوى عن التهوض لتلافی أمره، مع أنّ مدار الاستنباط لاکثر الاحکام فی هذه الا زمان علیه و مرجع الفتاوی فی اغلب المسائل الفقهیة الیه.

نتیجه

۱. حدیث و سنت میراث عظیم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بوده و نقش بسیار تأثیرگذاری در جمیع آموزه‌های دینی دارد.
 ۲. استواری حدیث به استواری سند می‌باشد که از راویان شکل می‌یابد.
 ۳. شناخت راویان در ارزشیابی اسناد و در نتیجه ارزیابی خود حدیث، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌باشد و شیعیان در تأسیس و تکمیل و تنقیح آن سهم برجسته‌ای داشته‌اند.
 ۴. با توجه به شبهات روزافزون مخالفان و معاندان علیه مکتب تشیع به‌خصوص در حوزه حدیث و سنت، احیای این بخش از علوم اسلامی (دانش رجال) بسیار لازم و ضروری می‌باشد.
- امید است شاهد تدوین دائرةالمعارف‌های بزرگ رجالی از سوی عالمان بزرگ شیعی و اندیشمندان فرهیخته باشیم.

منابع

١. آقا بزرگ تهرانى، (محمد محسن بن على المنزوى)؛ الذريعة الى تصانيف الشيعة؛ ج ٣، بيروت: دارالاضواء، ١٤٠٣ ق.
٢. _____؛ مصفى المقال فى مصنفى علم الرجال؛ تهران: چاپخانه دولتى ايران، ١٣٣٧.
٣. اردبيلى، محمد بن على؛ جامع الرواة؛ قم: مكتبة آية الله مرعشى نجفى، ١٤٠٣ ق.
٤. امين، سيد محسن؛ اعيان الشيعة؛ بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، ١٤٠٣ ق.
٥. بحرالعلوم، سيد محمد مهدي؛ الفوائد الرجالية؛ تهران: مكتبة الصادق، ١٣٦٣.
٦. تسترى، محمد تقى؛ قاموس الرجال، ج ٢، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ١٤١٠ ق.
٧. جلالى، سهيلا؛ پژوهشى در اصول اربعمائه؛ علوم حديث، ش ٦، زمستان ١٣٧٦.
٨. جوادى، عبدالله؛ تفسير تسنيم؛ قم: اسراء، ١٣٧٨.
٩. حسينى جلالى، محمدرضا؛ المنهج الرجالى و العمل الرائد فى الموسوعة الرجالية؛ قم: دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، ١٤١٩ ق.
١٠. حلى، حسن بن يوسف بن مطهر؛ الخلاصة (رجال علامه حلى)؛ قم: دارالذخائر، ١٤١١ ق.
١١. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان؛ تاريخ الاسلام، ج ٢، بيروت: دارالكتاب العربى، ١٤١١ ق.
١٢. زرکلى، خيرالدين؛ الاعلام؛ بيروت: دارالعلم الملايين؛ ١٩٨٩ م.
١٣. سبحانى، جعفر؛ كليات فى علم الرجال؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ١٤١٥ ق.
١٤. شوشترى، قاضى نورالله بن شريف الدين؛ مجالس المؤمنين؛ تهران: كتاب فروشى اسلاميه، ١٣٧٥ ق.
١٥. شهيد ثانى، جمال الدين حسن بن زين الدين؛ منتقى الجمال؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ١٣٦٢.
١٦. شهيد ثانى، (زين الدين العاملى)؛ البداية فى شرح الدراريه؛ قم: مكتبة المفيد، ١٣٦٢.
١٧. صدر، سيد حسن؛ تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام؛ عراق: شركة النشر و الطباعة العراقية المحدودة، بى تا.
١٨. طباطبائى، سيد محمد حسين؛ الميزان؛ ج ٣، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ١٣٩٣ ق.

۱۹. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ اختیار معرفة الرجال؛ مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ق.
۲۰. _____؛ التبیان؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۱. _____؛ الفهرست؛ نجف: مهد نشریات المکتبه المرتضویه و مطبعته، بی تا.
۲۲. _____؛ رجال طوسی؛ نجف: المکتبه و المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۰ ق.
۲۳. _____؛ عدة الاصول؛ قم: ستاره، ۱۳۷۶.
۲۴. عاملی، حسن امین؛ دائرة المعارف الاسلامیة الشیعه؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۲ ق.
۲۵. قمی، شیخ عباس؛ الکنی و الالقب؛ ج ۵، تهران: انتشارات کتابخانه صدر، ۱۳۶۸ ق.
۲۶. کلباسی، ابوالهدی؛ سماء المقال؛ قم: مؤسسه ولی العصر (عج)، للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۹ ق.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب؛ کافی؛ تهران: المکتبه الاسلامیة، ۱۳۸۸.
۲۸. مازندرانی، ابوجعفر محمد بن علی بن شهرآشوب؛ معالم العلماء؛ تهران: مطبعة فردین، ۱۳۵۳.
۲۹. مامقانی، عبدالله؛ مقیاس الهدایة؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۱ ق.
۳۰. محمد بن یعقوب کلینی؛ کافی؛ تهران: المکتبه الاسلامیة، ۱۳۸۸ ق.
۳۱. معرفت، محمد هادی؛ تفسیر و مفسران؛ قم: مؤسسه فرهنگي التمهید، ۱۳۷۹.
۳۲. مکی عاملی، سید علی؛ بحوث فی فقه الرجال؛ برج البراجنه: العروة الوثقی، ج ۲، ۱۴۱۴ ق.
۳۳. موحد ابطحی، محمد علی؛ تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال؛ قم: ابن المؤلف، ۱۴۱۷ ق.
۳۴. موسوی خویی، سید ابوالقاسم؛ البیان؛ انوار الهدی، ۱۴۰۱ ق.
۳۵. _____؛ معجم رجال الحدیث؛ ج ۳؛ قم: مدینه العلم، ۱۴۰۳ ق.
۳۶. نجاشی، ابوالعباس، احمد بن علی بن عباس؛ رجال نجاشی؛ ج ۶؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۳۷. طلائیان، رسول؛ مأخذ شناسی رجال شیعه؛ قم: دار الحدیث، ۱۴۲۳ ق.
۳۸. مدرس، محمد علی؛ ریحانة الادب؛ ج ۲، تهران: انتشارات خیام، ۱۳۶۹.
۳۹. احمد امینی، عبدالحسین؛ الغدير الكتاب والسنة والادب، قم: مركز الغدير للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۶ ق.